

عقل و عاطفه

این مسئله مسلم است که روان ما دارای دو جنبهٔ مادی و مافوقی است. همانطور که دستگاه پیچیدهٔ مغز ما متشکک و متصل است و سلولهای بیشتر آن بلور دراز-آمیزی کار خود را بدقت انجام میدهد. موافق ما نیز، در مغز برای خود جایگاهی دارد. «غدهٔ هیپوفیز» (Hypophysis) که در کف مغز جای دارد، در حقیقت، فرمانروای مطلق است که بندهٔ هفتاد دیگر دستور کار بیشتر را کمتر میدهد. ترشح قسمت جلویی این غده، در رشد قامت و اعمال جنسی اثر دارد. اگر ترشح این قسمت زیاد تر از حد معمول باشد، شخص غول پیکر میشود اگر ترشح از حد طبیعی کمتر باشد کوتاه قد میماند. ترشح قسمت عقبی این غده، در دخالت در خروج بدن، مؤثر است، کودکانی که زیاد ادراس، جفا و ادراس اعمال جنسی در بالغ میشوند تپیل و گشاست، بر اثر زیاد کردن این قسمت از غدهٔ هیپوفیز است. (۱) اما آنچه تحقیقات دانشمندان بر روی ما را در پی آن برداشت، این است که قسمتی از مغز بنام «هیپوتالاموس» (Hypothalamus) منشأ بیرون کلیهٔ موافق و در واقع؛ مرکز فرماندهی بدن می باشد. (۲)

پس در درجهٔ اول هیپوتالاموس، و در درجهٔ دوم، هیپوفیز، بر کار غدهٔ دیگر نظارت کامل دارند و آنها خود به «هیپوتالاموس» یا «ساختن مغز از ارتباط دارند. غدهٔ هیپوفیز عموماً از «غدهٔ تیروئید» (Thyroids) که در زیر کلهٔ قرار دارد، کمی در شرح آن باعث خشکی پوست و شکنندگی و کم پستی می شود، کودکانی که در دوران جنین، حرف درونی و تشنگی بدون گشت کنند است و دچار کمبود ترشح این غده است. ترشح بیش از حد آن باعث صبا پت، کودکی، بیانهٔ جویی و لاغری کودکان میشود. «غدهٔ سوزنال» یا «غدهٔ کلیوی» انقباضی است که کار زیاد آن باعث فشار خون و زیاد شدن و بلوغ زودرس و رشد نامتناسب دستگاه تناسلی و تنبلی آن سبب جانی و زیاد شدن املاح خون میگردد.

(۱) روانشناسی کودکان صفحه ۲۵۲

(۲) البته منظور از این سخن این نیست که سلولهای مغز همان سلولی اندک است بلکه آنها وسیله‌ای برای، الهیهای روحی انسان میباشد.

برخی از غده‌ها مانند تیموس (Thymus) و پینال (pineal) فقط در دورهٔ کودکی فعالیت میکنند و بقیدهٔ علمای نیز بلوغی «مانع بلوغ زودرس هستند» ادامهٔ کار آنها پس از بلوغ باعث باقی ماندن آثار طفولیت میشود. و قطع کار آنها در دورهٔ طفولیت باعث فرارسیدن بلوغ زودرس میگردد.

فردنسیس که با شروع کار آنها کودکان وارد مرحلهٔ بحرانی بلوغ میشود، رشد علائم و حالات ثانوی جنسی از قبیل نازک شدن سینه و دردهای دختر و پشه شدن سینه و در پسر، و قدورت تولید مثل و می در آوردن صورت و... را پیچیده دارد.

«غدهٔ ششامی» یکی از رشته‌های علمی است و در اینجا فقط هدف ما اشاره به اهمیت کار ششامیست و بر اثر ارتباط میان غدهٔ هیپوفیز که همانند سیستم فکری داخل است و دستگاه عصبی، بدن دچار عکس العملهایی میگردد. فریاد، ترشح، جنسی کردن تش در سینه، باز شدن در دمک چشم ناشی از تشنج، سرخ شدن از شرم، تش قلب ناشی از ترس و نگرانی، همگی شواهد ارتباط فکری و تشنج است. (۱)

لکن چنانکه گنشت، قسمتی از مغز بنام «هیپوتالاموس» مرکز فرماندهی بدن است، زیرا اثر شحات خود را مستقیماً وارد «هیپوفیز» میکند. هیپوفیز نیز در کیفیت ترشح سایر غدهٔ تأثیر می‌گذارد چون هیپوتالاموس مرکز احساسات آدمی است که هر دقیقه ممکن است بملت ایجاد حساسیت باشند جویی، کینه‌ورزی، حقد و حسد و سایر نگرانیهای روحی تحریک شود. مسلماً

تحریکات آن همانطور که سبب تغییرات مخصوص در سلسلهٔ افعال بیانی میشود و اثرات خود را روی عروق و سایر اسامح بجای می‌گذارد، ترشحات مخصوص خودش نیز تغییر میکند و از لحاظ کیفیت و کمیت، سبب ایجاد تحریکات مخصوص در هیپوفیز میشود و این غده نیز سهم خود، ترشحات سایر غدهٔ ششامی داخلی بدن را کم یا زیاد میکند و اثرات مخصوص جنسی می‌گذارد. (۲)

پروزش و آواز شب

توجهی بحث بالا این میشود که مغز ما، هم مرکز «موافق و احساسات»، و هم جایگاه «تعقل و تفکر» است. آری حجم کوچک و ناچیز مغز، «عقل و عاطفه» را با انسان از حیوانات می‌داند و او را موجودی شرفی و اکل مخلوقات می‌سازد. اینجاست که بیس انبساط و باهویت و ارزش کار بند و ماور و سرین دیگر بی می‌بریم. آنان مسئولین نظام و خطیب بر عهده دارند و هرگز نمیتوانند بطوریک حایه کار کنند. اگر فقط به پروزش «تفکر کودک» بپردازند و چنانکه در مدارس و حتی دانشگاههای ما تاو شاید همهٔ حیوان - رسم است، فقط جنبهٔ عقلانی و فکری که کلان و حیوانی مورد توجه قرار گیرد و کوشش بر این باشد که آنها همچون دستگاههای ضبط صوت، حافظ فرمولها و قوانین علمی و تاریخ و جغرافیا و... و در فهم نظرات علمی دانشمندان دقیق و معیار باشند، قسمتی از مغز را فلج و ضایع ساخته اند. چه نیمی از مغز را بکار انداخته و نیمی دیگر را تعطیل کرده اند! (پیچیده در صفحه ۷۰)

۱ - دن و جوانی پایدار ۲ - چرا بیمار می‌شویم؟

(پایه از ص ۶۳)

بدون تردید پرورش انسان کامل، باین است که مغز او که مرکز عقل و عاطفه است است درست با آید و هر دو جنبه مغزی او بطور دقیق بکار آید. اگر خواستد با شیطان یکی از این دو جنبه بر داندیم، آیا کدامیک اهمیت بیشتری دارد؟ عقل یا عاطفه؟! آیا بهتر این نیست که خانواده و مدرسه که بزرگترین پایگاه تربیت هستند، برای اینکه بگویند کدام شخصیت کامل و ممتاز بیچندند. عقل و عاطفه را بحدوداً مورد توجه قرار دهند؟ اگر بنا به تبعیض است آیا امتیاز با تربیت عقل است یا تربیت عواطف؟!.

پاسخ این سؤال را بهتر است از زبان دکتر آنگوس کارل بشنویم: «تئستین اسل، پرورش قوای عقلانی نیست، بلکه بنای تادیر و عاقلی در خوبترین است که تکلیف گاه تمام عوامل درونی باشد، ضرورت حس اخلاقی کمتر از لزوم حس بینایی و شنوایی است، باید عادت کنیم تا همان وقتی که نور از طلوع سداوار از سکوت من شناسم خوبی یا از بدی تمیز دهیم. و انگلیس موظف شودیم که از بدی پر عزیز کنیم. ولی پر عزیز از بدی مستلزم یک ساختار بدنی و روانی خوب است.» (۱)

روش رهبران مذاهب

روی همین اصل است که من بینم پیغمبران ادیان آسمانی باینکه ما مودت علم و تربیت بشر هستند و احباب عقل از اولیای موم آنها است مسائل اخلاقی و عاطفی بیشتر اهمیت میدهد. در عین اینکه قرآن کریم در حدود ۷۵ آیه در خصوص مسائل مربوط به علوم طبیعی، فلسفی، ریاضی و... دارد در درجه اول اهمیت به پرورش عاطفی و اخلاقی میدهد و این زیر بنای محکم و شالوده استوار یک زندگی سالم را پرریزی میکند و مسائل را که سرانجام ادبیات، لایسها، فریادها، فیس خراشها، طالبها، آرتیستها، گالیلهها، آینه شاینها، ذکرهای دینیها، بوعلی سیناها و... بکشف آنها نایل آمده می آیند، در درجه دوم اهمیت قرار میدهد.

بدون تردید، با داشتن اخلاق و عواطف سالم، و داشتن استقامت و ثبات قدم و عزم راسخ و هدف بلند و هسته عالی که مولود تربیت پیغمبران ادیان آسمانی است، میتوان به عالیترین و ارجمندترین دانشها دست یافت. پیشوای عالیقدر اسلام، هدف مأموریت خود را در یک جمله خلاصه میکند: «بعثت لاتممکم کارم الاخلاق» یعنی: من برای تکمیل مکارم اخلاقی بعثت شدم. (سفینه البحار جلد اول صفحه ۴۱۱)

بوعلی سینا پیش از رسیدن بسن ۲۰ سالگی در همه علوم زمان خود، تبحر و تخصص یافت. ابوعلی مسکویه صاحب کتاب تربیتی و اخلاقی «طهارة الاعراق» اندیشمندان معروف آن

۱ - داورم زندگی صفحه ۹۹.

زمان بود. روزی ابن سینا در حضور درس وی حاضر شد و گستاخانگه گویی بجلاوا افکند و از او خواست که مساحت آنرا حساب کند.

ابوعلی مسکویه، قسمتی از کتاب مذکور را جلو او گذاشت و گفت: «ای جوان تو با صلاح اخلاق خود بیشتر نیازمندی. نخست اخلاق خود را اصلاح کن و سپس من مرا حتماً تا مساحت سطح گردورا برای تو حساب کنم».

نوشته اند که: این جمله برای تمام عمر، راهنمای اخلاقی و تربیتی بوعلی سینا گردید و همواره آنرا به خاطر داشت تا هرگز از جاده صحیح زندگی خارج نگردد (۱).

پیشوای بزرگ اسلام علی (ع) در ضمن تفسیری بفرزند گرامیش امام حسن عجبی (ع) تمام مطالبی که انسان را از نظر عقل و عواطف، کامل می سازد بیان می دارد. ولی بسطالاب اخلاقی و عاطفی بیشتر اهمیت داده، میفرماید: «فرزندم! چهار امر شخصی و چهار امر اجتماعی از من بخاطر بسیار با این امور هر گزاری انجام دهی، برای تو دانی ندارد: بالاترین بی نیازیها خردی، و بزرگترین نیازمندیها فقر، و وحشتناکترین چیزها خود پسنندی، و گرامی ترین شخصیت دوستی، اخلاق نیکوست. فرزندم! از دوستی بیخردان پر عزیز که هر گاه بخواهند بتو سود برسانند، بتو ضرر می دهند، از معاشرت بخیلان خودداری کن که بی شک با کم نیازمندی باش از تو دریغ دارند، از دفاقت بدکاران اجتناب کن که ترا چیزی اندکی فروشنند، و از دشمنی دوغشویان دوری نما که آنها همانند «سراب» بجز دور را برای تو نزدیک و نزدیک را از تو دور می سازند» (۲).

موسیبه (H. Mossiey) می نویسد: «باید برای شاگردان ثابت کرد که غیر از علم، چیزهای قیمتی دیگری نیز هست و تربیت وسیله طبقه بندی دیگری برای اشخاص و ملتها در کار است. استعداد فنی، قوه ایجاد ثروت و وسایل رفاه عمومی، قابلیت اداره یا اختراع کردن و عوامل دیگر، همه چیزهایی هستند که ارزش اجتماعی مهم دارند. بالاتر از همه اینها و بالاتر از علم، عامل دیگری وجود دارد و آن عبادت است از تقوی و پر عزیز گاری» (۳)

۱ - تاریخ علوم عقلی در اسلام.

۲ - نبع اللیلانه فیض صفحه ۱۰۹۵.

۳ - پرورش ذهن صفحه ۲۳۵.